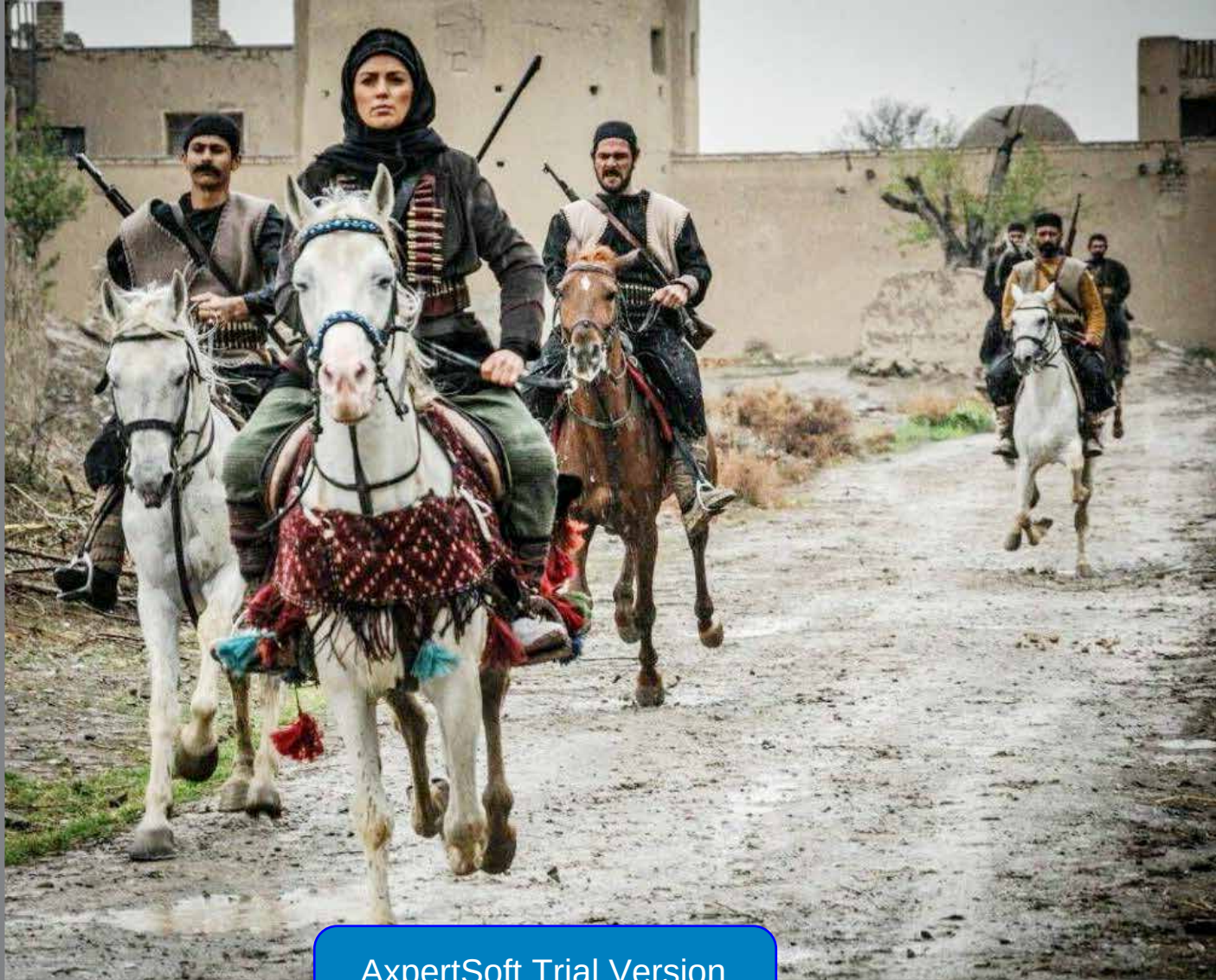




ExpertSoft Trial Version

می‌خواهد یک فیلمنامه تاریخی برای یک کار بیگ پروداکشن بنویسد باید به بودجه نگاه کند.

شما برای سریال «پانوی سردار» تیم فیلمنامه‌نویسی داشتید؟
بله؛ تیم نویسنده‌ای داشتیم که احسان عظیمی و سمیه تاجیک به‌عنوان نویسنده حضور داشتند و من هم سرپرست نویسندگان بودم.

یکی از ویژگی‌های کارهای تاریخی که برخی منتقدان نسبت به آن جبهه‌گیری دارند دست بردن به اتفاق‌های تاریخی و به زعم آن‌ها تحریف است؛ برای دراماتیزه کردن کار، چقدر به آن واقعه اضافه کردید؟

ما از وقایع بزرگ ماکتی درست کردیم. در حوزه هدایت و مدیریت خانواده به یک یا دو سکانس، این اضافه‌ها را محدود می‌کردیم اما طبیعی است که در زندگی «بی‌بی مریم» این اتفاق‌ها زیادتر باشد. ما نمی‌توانیم این موضوع را در ۱۲ قسمت عنوان کنیم. یکی از عناوین را انتخاب کردیم و سعی کردیم در یک یا دو سکانس شمای کلی آن را نشان دهیم مثلاً اگر می‌خواستیم در مورد عدالت‌خواهی او چیزی بگوییم در همان سکانس‌ها می‌گفتیم.

شما در گروه بازیگران این سریال از چهره‌ها استفاده نکردید؛ دلیل این امر چه بود؟

پیدا کنیم و آن را بازسازی کنیم. یکی از آفت‌هایی که در ساخت سریال‌های تاریخی داریم پیدا کردن لوکیشن است؛ شما در این زمینه متحمل چه آسیب‌هایی شدید و آیا از کسی کمک گرفتید؟

بله؛ از اول قرارمان بر این بود که از قلعه‌هایی در اطراف شهر کرد و منطقه چهارمحال و بختیاری استفاده کنیم؛ قلعه‌ها تبدیل به موزه شده بودند و نمی‌توانستیم از آن‌ها استفاده کنیم. از همکارانمان پرس‌وجو کردیم و تحقیقات میدانی کردیم و شبیه آن‌ها را ساختیم.

یکی از مراحل سخت، نوشتن فیلمنامه نهایی است؛ خودتان هم اشاره کردید که کار به شکلی اقتباس است، چقدر به این اقتباس وفادار بودید؟

ما اگر اقتباس نمی‌کردیم نمی‌توانستیم کار را بسازیم. به‌واسطه بعضی از خصلت‌ها مجبور شدیم این اقتباس را محدودتر کنیم که یک جامعه کوچک‌تر یا جامعه‌ای را به تصویر بکشیم که این کار در متن آن رخ می‌دهد. بعضی از موضوع‌های تاریخی را نمی‌توانستیم انجام دهیم اما با توجه به بودجه، حوادث را به‌طور کلی ارایه می‌دادیم. اگر یک سردار هزار نفر قشون داشته باشد ما نمی‌توانیم همه آن‌ها را نشان دهیم به همین دلیل باید کاری را انجام بدهیم که بتوانیم آن‌ها را عملیاتی کنیم. این کار توسط فیلمنامه‌نویس انجام می‌شود، بنابراین کسی که



معتقدم که بازیگر مولف نداریم! اینها که بالاتر گفتیم برخی مجموعه روش‌های متداولی است که گاهی آکتورها را به درخشش در اجرا و بازیگری می‌رساند. نبوغ هم در حدی است که با اندکی شیرین کاری و دلبری‌های کلیشه‌ای جلو دوربین می‌توان به بازیگر و به نقش رنگ داد و کاملاً نمی‌توان آنها را به نبوغ و تالیف مربوط دانست. به این معنی که اگر هر کسی این کارها را می‌کند حتماً نابغه است؟ خیر.

در لوکیشن‌های واقعی بسازیم ولی بودجه در حدی نبود که بخواهیم گروه را جایی ببریم و در حد یک یا دو ماه مستقرشان کنیم و هزینه‌های آن‌ها را بپردازیم. لوازم و تجهیزاتی که احتیاج داشتیم مثل هنرور، احشام، اکسسوارها و موضوعات بهداشتی و درمانی، خیلی سخت بود و این موضوع زمانی سخت می‌شود که کار را در روستاها و مناطق کوهستانی انجام دهیم، چون باید آن‌ها را به همان مناطق ببریم. به زعم من ساختن کار تاریخی، کار پردردسر و سختی است. لباس‌هایی که می‌خواستیم برای زنان لر استفاده کنیم حدود ۱۰ میلیون تومان پول لازم داشت که باید برای آن‌ها می‌پرداختیم. برای این فضاها دولت باید به کمک صداوسیما بیاید اما هیچ کمکی از طرف آن‌ها صورت نمی‌گیرد. دولت، سازمان را با تبلیغات نوبشه، دوغ و پفک و... رها کرده است. با بودجه‌های اندک، کار تاریخی که یک‌سری مولفه‌ها را باید داشته باشد نمی‌توان ساخت و اگر کسی برای ساخت این سریال‌ها احساس تکلیف کند به دلیل سختی‌های زیاد، گروه خودبه‌خود بعد از یک دوره خسته می‌شود. دوسال و نیم برای کاری می‌دوند و در نهایت سر کار دیگری می‌روند. باید این مشکل حل شود که عوامل بعد از ماه‌ها دوندن بدانند که جواب زحمات خود را خواهند گرفت.

چقدر از دکور را ساختید؟

در منطقه شهریار به‌سختی توانستیم یک قلعه